

بسکه در خرقة آلوده زدند لاف صلاح

به سلسله فرود و فراز اوضاع سیاسی - نظامی کشور و بخصوص در بحبوحه سرو صدا های مربوط به پروسه انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2014 میلادی، تعدادی از رهبران و سر کرده گان جهادی و تفنگداران سابق در جریان چند روز قبل در شهر مزار، به یک نمایش سیاسی - مطبوعاتی و پرداختند.

در این نمایش، حاجی محمد محقق رهبر یک بخش حزب وحدت اسلامی، جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی- اسلامی، عطا محمد نور از حزب جمعیت اسلامی و همین اکنون والی ولایت بلخ، ضیا مسعود رهبر جبهه ملی و قبلاً معاون اول رییس جمهور و امرالله صالح یکی از اعضای ارشد جبهه مذکور و سابق، رییس امنیت ملی در برابر خبرنگاران حاضر شده و پیرامون انتخابات ریاست جمهوری آینده افغانستان اظهاراتی بعمل آوردند.

انتشار این گزارش، مرا واداشت تا نکات آتی را در اینجا بعرض برسانم :

نخست باید گفت که ملاقات و نزدیکی دو تفنگدار سابق (عبدالرشید دوستم و عطا محمد نور) حرکتی است کم سابقه و در عین حال سوال بر انگیز. زیرا همه میدانند که این دو تفنگدار سابق، گذشته پُر خون و رقابت عناد برانگیزی داشته

و در اثر این رقابتهای و خصومت و ورزیهای سیاسی و جاه طلبانه شان ، صد ها نفر در سمت شمال کشور ، جانهای شیرین شان را از کف داده اند. البته هموطنان ما، از بس که در سالهای پسین، سختی و صعوبت وافر از سوی تفنگداران پُر مدعا دیده و کشیده اند، این آشتی و نزدیکی را اگر بخاطر دست یابی به صلح و امنیت جانی و مالی شان، امر مثبت می انگارند، در عین حال این سوال را نیز مطرح مینمایند که آیا این دو تفنگدار جهادی و ضد جهادی واقعاً بخاطر خیر خلق الله و در نظر داشت منافع ملی و میهنی، آنهم در تحت شرایط حساس امروزی در کنار هم نشستند و یا باز هم ، ملحوظات شخصی ، گروهی و احیاناً ارتباطات بیرونی آنها در این حرکت ، تداخل عمده دارد ؟ کی میداند که این نشستها و نزدیکی ها، باز هم به مویی بسته نبوده و پیمان شکنی های دیگر را در قبال نداشته باشد؟

همچنان، وقتی حاجی محمد محقق رهبر یک بخش حزب وحدت اسلامی در کنار احمد ضیا مسعود و بخصوص در ردیف امرالله صالح می نشیند و در یک جبهه و یک سنگر قرار میگیرد، باز هم این سوال مطرح میشود که این یکجا نشستن ها و نمایشات رسانه یی و تبلیغاتی، حقیقتاً صادقانه، دور از ریا و بروفوق دلسوزی به منافع ملی و آینده افغانستان است و یا همانند نزدیکی ها و ائتلافهای قبلی شان ، مصلحتی و فریبنده و گسستنی خواهد بود ؟

اگر نشست ، نزدیکی و ائتلاف اخیر چند رهبر و سرکرده یی که گفته آمد ، آنهم عمدتاً از بدنه شمال مملکت ، احیاناً صادقانه و دلسوزانه هم باشد، آیا برای اصلاح امور در هم بر هم افغانستان، تعیین یک رییس جمهور مردمی، حفظ یک

پارچه گی و تأمین صلح و امنیت سراسری و بالاخره ، برای وحدت ملی و قطع جنگ و خونریزی چندین ساله، کافی ، مفید و مؤثر خواهد بود ؟

آیا این رهبران ائتلافی، تنها در مورد پروسه انتخابات ریاست جمهوری آینده کشور و رسیدن به تاج و تخت در ارگ کابل می اندیشند و می رزمند و یا میخواهند در عین حال، به جُست و جوی راه های مؤثر و مردمی سرکوب دشمنان سوگند خورده ملت آزرده جان افغانستان و خشکاندن بنیاد فساد مالی و اداری و سیاسی دولت هم پردازند ؟ هرگاه پاسخ سوال اخیر مثبت باشد، سوال دیگری که مطرح میشود این اینست که آیا اینها خود، آلوده با بدنامی و فساد تا مغز استخوان شان نیستند ؟ آیا سابقه جفا های پیهم در حق مردم ما را ندارند؟

موضوع مورد خواست و انتظار عامه مردم افغانستان اینست که در هر صورت، چرا افراد، گروه ها ، احزاب و نهاد های سیاسی ، فرهنگی، مدنی و مردمی که در داخل افغانستان حضور فزیکي دارند، حرکتی متحدانه به راه نمی اندازند؟ و یا حتا همین آقایان ائتلافیون هرگاه احياناً خواستار خیر و فلاح مردم و تأمین امن و آزادی و دموکراسی در کشور باشند، چرا نمیخواهند در کنار دیگران بایستند و یا دیگران را در کنار خویش قرار دهند؟

آقایان عظامحمد نور، عبدالرشید دوستم، حاجی محقق، احمد ضا مسعود و امرالله صالح چرا و روی کدام مصلحت نخواستند موضع فکری و سیاسی شان در قبال طرح مذاکرات صلح و برنامه های دولت افغانستان و قدرت های خارجی پیرامون امتیاز دهی برای گروه تروریستی طالبان را بگونه عریان بیان نمایند؟ چرا با استفاده از همین فرصت، برای مردم نگفتند که هرگاه دست توطئه گران داخلی و

خارجی، سرزمین عزیز ما را پس از سال 2014 تقسیم و تجزیه نماید، آقایان چه موضع و موقف اتخاذ خواهند کرد؟ آیا این نمایش، آنهم از سوی عدهٔ قلیل دارای سوابق جنگی و خونین، آنهم برخاسته از یک بخش کشور، تفکر افتراق ملی در کشور را دامن نمیزند؟

اگر آقای عطا محمد نور بقول خودش، کاندیدای ریاست جمهوری آینده ی کشور بوده و فرضاً در انتخابات سال 2014 به پیروزی هم برسد، آیا میتواند چنان مثنی و برنامه کاری از خود ارائه دهد که باساس آن بتواند هم صلح، امنیت، دموکراسی و عدالت اجتماعی را در افغانستان پیاده نماید و هم سایهٔ شوم دشمنان مسلح و تشنه بخون طالبی و غیر طالبی را از سر مردم ما بزداید؟

اگر چنان نباشد که گفته آمد، آیا کاندید شدن و به کرسی ریاست جمهوری نشستن وی دردی از درد های بی پایان مردم ما را مداوا خواهد کرد؟

درچنین صورتی، آیا لازم نیست این آقایان، دست از سر مردم غمزده و جنگزدهٔ افغانستان عزیز بردارند و بیشتر از این، بالای زخم های ناسور آنها نمک نباشند؟ (پایان)